

## نقش جنسیت در ساختار عاملی اسکیزوتایپی در نوجوانان تبریز

دکتر علی محمدزاده\*

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور استان آذربایجان شرقی

### چکیده

جنسیت در تحلیل‌های عاملی اسکیزوتایپی متغیری مهم به شمار می‌آید، زیرا می‌تواند پاسخ افراد به پرسش‌نامه‌های اسکیزوتایپی را تحت تأثیر قرار دهد. هدف این پژوهش بررسی ساختار عاملی اسکیزوتایپی در نوجوانان، با جداسازی جنسیتی است.

پژوهش به صورت یک بررسی زمینه‌یابی از نوع مقطعی انجام شد. جامعه‌ی آماری پژوهش را همه‌ی دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع دبیرستان، که در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۹ و در پنج منطقه‌ی شهر تبریز مشغول به تحصیل بودند، تشکیل می‌دهد و نمونه‌ی پژوهش نیز دربرگیرنده‌ی ۴۰۰ نفر است، که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند.

تحلیل عاملی به روش تحلیل سازه‌های اصلی سه عامل را برای پسران (به‌ترتیب، تجارب ادراکی غیرعادی، اندیشه‌پردازی پارانوئید/اضطراب اجتماعی، و تفکر سحرآمیز) و سه عامل را نیز برای دختران (به‌ترتیب، تجارب ادراکی غیرعادی، تفکر سحرآمیز، و اندیشه‌پردازی پارانوئید/اضطراب اجتماعی) پیشنهاد کرد؛ پس تفاوت‌های ساختاری میان دو جنس در نشانه‌شناسی اسکیزوتایپی وجود ندارد.

نتایج نشان می‌دهد دو گروه در نشانه‌شناسی مربوط به تجارب ادراکی غیرعادی با هم تفاوت ندارند، ولی به لحاظ الگوهای بالینی و نشانه‌شناسی مربوط به عامل‌های اندیشه‌پردازی پارانوئید/اضطراب اجتماعی و تفکر سحرآمیز تفاوت‌های جنسی وجود دارد.

### واژگان کلیدی

اسکیزوتایپی؛ اسکیزوفرنیا؛ تحلیل عاملی؛ جنسیت؛ نوجوانان؛

در سال‌های اخیر تلاش شده‌است که شخصیت اسکیزوتایپی را بر پایه‌ی DSM<sup>۱</sup> بررسی کنند. اختلال شخصیت اسکیزوتایپی<sup>۲</sup> الگویی فراگیر از کاستی‌های اجتماعی و میان‌فردی است که با کج‌فهمی‌های شناختی یا ادراکی، مانند افکار انتساب، تفکر سحرآمیز، تجربه‌های غیرعادی ادراکی، تفکر و گفتار عجیب و غریب، اندیشه‌پردازی پارانویایی، اضطراب اجتماعی، رفتارهای عجیب و غیرعادی، و ظرفیت اندک برای برقراری پیوندهای نزدیک و صمیمانه نشان داده‌می‌شود و سن آغاز آن نوجوانی است (انجمن روان‌پزشکی آمریکا<sup>۳</sup> ۲۰۰۰). آنچه که باعث افزایش گرایش پژوهش‌گران به این گستره از پژوهش شده این است که اختلال شخصیت اسکیزوتایپی در خوشاوندان بیماران دچار اسکیزوفرنیا<sup>۴</sup> فراوان دیده‌می‌شود و هم‌چون این در برخی افراد، اختلال شخصیت اسکیزوتایپی نشانه‌ی برای آغاز اسکیزوفرنیا است (ولفرات و استراب<sup>۵</sup> ۱۹۹۸؛ کامپتون و هم‌کاران<sup>۶</sup> ۲۰۰۹)؛ بنا بر این، صفات اسکیزوتایپی و روان‌پریشی اسکیزوفرنیا به عنوان نقاطی گوناگون بر روی یک پیوستار مفهوم‌سازی شده و، بر پایه‌ی گمانه‌های الگوی تنیدگی-آسیب‌پذیری<sup>۷</sup>، نشان‌دهنده‌ی درجاتی از خطر است (ولفرات و استراب ۱۹۹۸).

جنسیت عنصری مهم است که در تحلیل‌های عاملی اسکیزوتایپی باید در نظر گرفته‌شود، زیرا این متغیر می‌تواند پاسخ افراد به پرسش‌نامه‌های اسکیزوتایپی را تحت تأثیر قرار دهد (فوساتی و هم‌کاران<sup>۸</sup> ۲۰۰۳). راین<sup>۹</sup> (۱۹۹۲) نشان داد زنان نمره‌هایی بالا در عوامل سنجش علائم مثبت اسکیزوتایپی به دست می‌آورند؛ در حالی که مردان در عوامل سنجش علائم منفی اسکیزوتایپی نمره‌هایی بالا دارند؛ به عبارت دیگر، مردان در عوامل میان‌فردی و آشفتگی، و زنان در عوامل ادراکی-شناختی نمره‌هایی بالا به دست می‌آورند. این نتایج به وسیله‌ی میلر و برنز<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۵) و ماتا، ماتایکس-کولز، و پیرالتا<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۵) نیز پذیرفته شده‌است. بر پایه‌ی گزارش‌ها، زنان در سنجه‌هایی چون «پرسش‌نامه‌ی صفات اسکیزوتایپی» (STA)<sup>۱۲</sup>، اندیشه‌پردازی سحرآمیز، و آمادگی برای توهم، که صفات مثبت اسکیزوتایپی را اندازه می‌گیرند، نمره‌هایی بالا به دست می‌آورند، و مردان در سنجه‌هایی چون بی‌لذتی<sup>۱۳</sup> اجتماعی و بی‌لذتی جسمانی، که صفات منفی اسکیزوتایپی را اندازه می‌گیرند، نمره‌هایی بالا دارند (راین ۱۹۹۲؛ میلر و برنز ۱۹۹۵؛ کلاریج و هم‌کاران<sup>۱۴</sup> ۱۹۹۶؛ فوساتی و هم‌کاران ۲۰۰۳؛ ماتا، ماتایکس-کولز، و پیرالتا ۲۰۰۵؛ اینو، اوکومورا، و ساکاموتو<sup>۱۵</sup> ۲۰۱۰).

<sup>1</sup> Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM)

<sup>2</sup> Schizotypal Personality Disorder

<sup>3</sup> American Psychiatric Association (APA)

<sup>4</sup> Schizophrenia

<sup>5</sup> Wolfardt, Uwe, and Eckart R. Straube

<sup>6</sup> Compton, Michael T., Sandra M. Goulding, Roger Bakeman, and Erin B. McClure-Tone

<sup>7</sup> Stress-Vulnerability Model

<sup>8</sup> Fossati, Andrea, Adrian Raine, Ilaria Carretta, Barbara Leonardi, and Cesare Maffei

<sup>9</sup> Raine, Adrian

<sup>10</sup> Miller, L. Stephen, and Sherry A. Burns

<sup>11</sup> Mata, Ignacio, David Mataix-Cols, and Victor Peralta

<sup>12</sup> Schizotypal Trait Questionnaire A Form

<sup>13</sup> Anhedonia

<sup>14</sup> Claridge, G., C. McCreery, O. Mason, R. Bentall, G. Boyle, P. Slade, and D. Popplewell

<sup>15</sup> Ito, Shinya, Yasuyuki Okumura, and Shinji Sakamoto



بر پایه‌ی نظریه‌ی ابعادی بودن ویژگی‌های روان‌پریشی (کلاریج ۱۹۹۷، برگرفته از گولدینگ<sup>۱</sup> ۲۰۰۴) و به خاطر هم‌سانی‌هایی که میان اسکیزوفرنیا و اسکیزوتایپی وجود دارد، در ادبیات پژوهشی مربوط به اختلال‌های دامنه‌ی اسکیزوفرنیا، اسکیزوتایپی به عنوان شکل سبک و غیربالینی و نیز شخصیت پیش‌نشانه‌ی اسکیزوفرنیا در نظر گرفته می‌شود (ون‌کامپن<sup>۲</sup> ۲۰۰۶)؛ بنا بر این، تفاوت‌های جنسیتی در اسکیزوتایپی هم‌سو با تفاوت‌های جنسیتی در اسکیزوفرنیا است. زنان دچار اسکیزوفرنیا، نشانه‌شناسی مثبت اسکیزوفرنیا، مانند توهم و هذیان را بیش‌تر از مردان، و مردان هم نشانه‌شناسی منفی اسکیزوفرنیا، مانند کناره‌گیری و انزوای اجتماعی را بیش‌تر از زنان نشان می‌دهند (گروس‌من و هم‌کاران<sup>۳</sup> ۲۰۰۸؛ ویل‌هیت و هم‌کاران<sup>۴</sup> ۲۰۰۸؛ لوین و روبینوویتز<sup>۵</sup> ۲۰۰۹). به نظر می‌رسد نقش عوامل فرهنگی، روان‌شناختی، و هورمونی در تفاوت‌های جنسیتی در اسکیزوتایپی دارای اهمیت باشد (گروزلیئر<sup>۶</sup> ۱۹۹۴).

«پرسش‌نامه‌ی صفات اسکیزوتایپی» پرکاربردترین ابزار در پژوهش‌های مربوط به روان‌گسستگی است و در پژوهش‌های مربوط به اسکیزوتایپی بسیار استفاده شده‌است (راولینگز، کلاریج، و فری‌من<sup>۷</sup> ۲۰۰۱). این پرسش‌نامه را کلاریج و بروکز<sup>۸</sup> (۱۹۸۴) در آکسفورد ساختند و به‌تازگی به وسیله‌ی راولینگز، کلاریج، و فری‌من (۲۰۰۱) روی بزرگسالان، و به وسیله‌ی سیلاروف و کلاریج<sup>۹</sup> (۲۰۰۵) روی نوجوانان بررسی دوباره شده‌است. پژوهش‌های روان‌سنجی نشان داده‌اند که «پرسش‌نامه‌ی صفات اسکیزوتایپی» می‌تواند هم بر پایه‌ی روی‌کرد ابعادی (تفاوت‌های میان‌فردی) و هم بر پایه‌ی روی‌کرد بالینی نسبت به شخصیت اسکیزوتایپی استفاده شود، زیرا با دیدگاه شبه‌مقوله‌ی<sup>۱۰</sup> در باره‌ی اختلال شخصیت اسکیزوتایپی هم‌آهنگ است.

بررسی‌های تحلیل عاملی از ماده‌های «پرسش‌نامه‌ی صفات اسکیزوتایپی» روی بزرگسالان نشان می‌دهد که اسکیزوتایپی یک ویژگی تک‌بعدی نیست. هویت و کلاریج<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۹)، در یک نمونه‌ی ۴۲۰ نفری از شرکت‌کنندگان بزرگسال، سه عامل تفکر سحرآمیز، تجارب ادراکی غیرعادی، و اندیشه‌پردازی پارانویید را در تحلیل عاملی این پرسش‌نامه گزارش کرده‌اند. نتایج آن‌ها در پژوهشی که جوزف و پیتزر<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۵) به همین منظور و با ۲۶۸ نفر بزرگسال انجام دادند تکرار شد. راولینگز، کلاریج، و فری‌من (۲۰۰۱)، به‌ترتیب، تفکر سحرآمیز، تجارب ادراکی غیرعادی، انزوا، و اندیشه‌پردازی پارانویید/اضطراب اجتماعی را شناسایی کردند و

<sup>1</sup> Goulding, Anneli

<sup>2</sup> Van Kampen, Dirk

<sup>3</sup> Grossman, Linda S., Martin Harrow, Cherise Rosen, Robert Faull, and Gregory P. Strauss

<sup>4</sup> Willhite, Rachael K., Tara A. Niendam, Carrie E. Bearden, Jamie Zinberg, Mary P. O'Brien, and Tyrone D. Cannon

<sup>5</sup> Levine, Stephen Z., and Jonathan Rabinowitz

<sup>6</sup> Gruzeliier, J. H.

<sup>7</sup> Rawlings, David, Gordon Claridge, and Justin L. Freeman

<sup>8</sup> Claridge, Gordon, and Paul Brooks

<sup>9</sup> Cyhlarov, Eva, and Gordon Claridge

<sup>10</sup> Quasi-Categorical Model

<sup>11</sup> Hewitt, J. K., and G. Claridge

<sup>12</sup> Joseph, Stephen, and Emmanuelle R. Peters

محمدزاده (۱۳۸۴) نیز، با پژوهش روی بزرگسالان، عوامل سه‌گانه‌ی تجارب ادراکی غیرعادی، اندیشه‌پردازی پارانوئید/اضطراب اجتماعی، و تفکر سحرآمیز را گزارش کرد.

دو بررسی تحلیل عاملی هم روی نوجوانان انجام گرفته‌است. ولف‌رات و استراب (۱۹۹۸) عوامل سه‌گانه‌ی تفکر سحرآمیز، تجارب ادراکی غیرعادی، و اندیشه‌پردازی پارانوئید را با گروهی از نوجوانان تکرار کردند. در این گروه سنی، تفکر سحرآمیز و تجارب ادراکی غیرعادی در پیوند با یک‌دیگر عاملی نیرومندتر را پدید آوردند؛ در حالی که عامل اندیشه‌پردازی پارانوئید/اضطراب اجتماعی به عواملی جداگانه تقسیم شد. سیلاروف و کلاریچ (۲۰۰۵) نیز، به‌ترتیب، عوامل سه‌گانه‌ی تجارب ادراکی غیرعادی، اندیشه‌پردازی پارانوئید/اضطراب اجتماعی، و تفکر سحرآمیز را روی گروهی از نوجوانان به دست آوردند.

تا کنون نقش جنسیت در بررسی ساختار عاملی اسکیزوتایپی به‌گونه‌ی محدود بررسی شده و تا این تاریخ نیز این موضوع در نوجوانان جامعه‌ی ایرانی مورد پژوهش قرار نگرفته‌است؛ پس با توجه به اهمیت دوره‌ی نوجوانی در پیدایش اختلال شخصیت اسکیزوتایپی و اسکیزوفرنیا و نیز نقش احتمالی جنسیت در نشانه‌شناسی متفاوت اسکیزوتایپی، این پژوهش به بررسی نقش جنسیت در ساختار عاملی اسکیزوتایپی در نوجوانی می‌پردازد.

با در نظر گرفتن پیشینه‌ی پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر است:

- ۱ ساختار عاملی اسکیزوتایپی در نوجوانان دختر و پسر متفاوت است.
- ۲ نمره‌های نوجوانان دختر در تجارب ادراکی غیرعادی بیش‌تر است.
- ۳ نمره‌های نوجوانان دختر در اندیشه‌پردازی پارانوئید/اضطراب اجتماعی بیش‌تر است.
- ۴ نمره‌های نوجوانان دختر در تفکر سحرآمیز بیش‌تر است.

## روش

این پژوهش به صورت یک بررسی زمینه‌یابی از نوع مقطعی انجام شده‌است. جامعه‌ی آماری پژوهش را همه‌ی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره‌ی دبیرستان، که در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۹ در پنج منطقه‌ی شهر تبریز مشغول به تحصیل بودند تشکیل می‌دهند. برای نمونه‌گیری خوشه‌ی چندمرحله‌ی تصادفی، نخست، با توجه به همه‌ی نواحی پنج‌گانه‌ی آموزش و پرورش، فهرستی از دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه در هر ناحیه‌ی آموزشی فراهم شد و سپس، به شیوه‌ی تصادفی، شماری از پنج ناحیه‌ی آموزشی انتخاب شد. در گام بعد، با مراجعه به مدارس و با توجه به شمار کلاس‌های موجود، به‌تصادف، یک کلاس مورد آزمون قرار گرفت. پس از کنار گذاشتن پرسش‌نامه‌های نامعتبر، حجم نمونه‌ی نهایی با ۱۵۹



نفر دختر و ۲۴۱ نفر پسر، در دامنه‌ی سنی ۱۲ تا ۱۹ سال، که بر پایه‌ی جدول نمونه‌گیری مورگان انتخاب شدند به دست آمد. پس از انتخاب نمونه، معرفی پژوهش‌گر، و بیان هدف پژوهش، «پرسش‌نامه‌ی صفات اسکیزوتایپی» در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت تا آزمودنی‌ها، بدون محدودیت زمانی، به پرسش‌های آن پاسخ بلی یا خیر بدهند. به منظور رعایت اخلاق پژوهشی و حقوق آزمودنی‌ها، همراه با اعلام خودخواسته بودن شرکت آزمودنی‌ها، هم به صورت گفتاری (پیش از اجرا) و هم به صورت نوشتاری (بالای پرسش‌نامه)، خاطر نشان شد:

اطلاعات درخواستی در این پرسش‌نامه‌ها، صرفاً به منظور اهداف پژوهشی است. جهت اطمینان خاطر شما، به‌جز تعیین جنسیت و سن، نیازی به ذکر نام و نام خانوادگی و دیگر مشخصات خصوصی نیست.

داده‌ها با استفاده از تحلیل عوامل اکتشافی، به روش تحلیل عامل‌های اصلی با چرخش پروماکس<sup>۱</sup> تحلیل شد.

### ابزار اندازه‌گیری

**پرسش‌نامه‌ی صفات اسکیزوتایپی (STA)** - این پرسش‌نامه به منظور سنجش الگوهای شخصیتی اسکیزوتایپی ساخته شده و دارای ۳۷ ماده است، که با «بله» (یک) و «نه» (صفر) پاسخ داده می‌شود. پرسش‌نامه دارای سه عامل تجارب ادراکی غیرعادی، اندیشه‌پردازی پارانوئید/اضطراب اجتماعی، و تفکر سحرآمیز است. راولینگز، کلاریج، و فریمن (۲۰۰۱) ضریب پایایی هم‌سانی درونی پرسش‌نامه را ۰/۸۵ گزارش کرده‌اند. روایی هم‌زمان پرسش‌نامه با سنجه‌ی روان‌آزردگی «پرسش‌نامه‌ی شخصیتی آی‌زنک (EPQ)»<sup>۲</sup> در فرهنگ اصلی ۰/۶۱ گزارش شده است (همان). هنجاریابی و ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسش‌نامه روی بزرگسالان در ایران، به وسیله‌ی محمدزاده (۱۳۸۴) انجام شده و روایی هم‌زمانی عوامل آن با سنجه‌ی روان‌آزردگی «فرم تجدیدنظرشده‌ی پرسش‌نامه‌ی شخصیتی آی‌زنک (EPQ-R)»<sup>۳</sup>، به ترتیب، ۰/۷۳، ۰/۵۰، ۰/۵۵، و ۰/۶۹ گزارش شده است؛ افزون بر آن که این پرسش‌نامه از روایی عاملی و افتراقی مناسب هم برخوردار است. ضریب پایایی بازآزمایی پرسش‌نامه، در فاصله‌ی چهارهفته‌یی، برای کل مقیاس ۰/۸۶ و برای خرده‌مقیاس‌های تجارب ادراکی غیرعادی، اندیشه‌پردازی پارانوئید/اضطراب اجتماعی، و تفکر سحرآمیز، به ترتیب، ۰/۶۵، ۰/۷۵، و ۰/۵۹ به دست آمد. مطالعه‌ی روان‌سنجی این ابزار در نوجوانان ضرایب روایی و پایایی یک‌سان را نشان می‌دهد (محمدزاده ۱۳۸۸).

<sup>1</sup> Factor Analysis with Promax Rotation Method

<sup>2</sup> Eysenck Personality Questionnaire (EPQ)

<sup>3</sup> Eysenck Personality Questionnaire-Revised (EPQ-R)

## نتایج

فراوانی شرکت‌کنندگان در طبقه‌های جنسیتی و بر پایه‌ی ویژگی‌های آمار توصیفی در جدول ۱ نشان داده شده‌است.

جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌ی پژوهش

گروه	شمار	درصد	میانگین سنی	انحراف استاندارد
دختر	۱۵۹	۳۹٫۸	۱۵٫۵۹	۲٫۳۱
پسر	۲۴۱	۶۰٫۳	۱۵٫۰۵	۱٫۷۷
کل	۴۰۰	۱۰۰	۱۵٫۲۷	۲٫۰۲

به منظور بررسی ساختار عاملی اسکیزوتاییی در نوجوانان پسر و دختر، نخست توانایی تحلیل عاملی، به وسیله‌ی آزمون کایزر-مایر-اولکین (KMO)<sup>۱</sup> و آزمون کرویت بارتلت<sup>۲</sup> بررسی شد. در گروه پسران، مقدار آزمون کایزر-مایر-اولکین ۰٫۷۵ به دست آمد، که نشان‌دهنده‌ی شایستگی نمونه‌برداری است. مشخصه‌ی آزمون کرویت بارتلت نیز ۱۱۳۱٫۰۹ ( $p = ۰٫۰۰۰۱$ ) برآورد شد، که معنادار است. در گروه دختران، مقدار آزمون کایزر-مایر-اولکین ۰٫۶۵ و مشخصه‌ی آزمون کرویت بارتلت ۸۴۶٫۱۸ ( $p = ۰٫۰۰۰۱$ ) به دست آمد، که نشان می‌دهد آرایه‌ی هم‌بستگی داده‌ها در جامعه صفر نیست و بدین ترتیب، عمل عامل‌یابی در هر دو گروه توجیه‌پذیر می‌شود.

به منظور تعیین ساختار عاملی اسکیزوتاییی در نوجوانان پسر، از شیوه‌ی اکتشافی و روش تحلیل سازه‌های اصلی با چرخش پرومکس استفاده شد و ماده‌هایی در عامل گنجانده شدند که وزن عاملی ۰٫۳۰ یا بالاتر داشتند. جدول ۲ وزن‌های عاملی هر یک از ماده‌ها را پس از چرخش پرومکس نشان می‌دهد. در کل، ۱۴ عامل ارزش ویژه‌ی بالاتر از یک داشتند و ۶ درصد واریانس‌های دیده‌شده را تبیین می‌کردند.

رسم نمودار ارزش‌های ویژه (نمودار ۱) و الگوی وزن‌های عاملی سه عامل را پیشنهاد کرد. این عامل‌ها نگاه داشته‌شدند و در معرض چرخش متعامد پرومکس قرار گرفتند؛ بدین ترتیب، در مجموع، سه عامل اصلی ۲۵٫۳۶ درصد واریانس کل را تبیین می‌کنند.

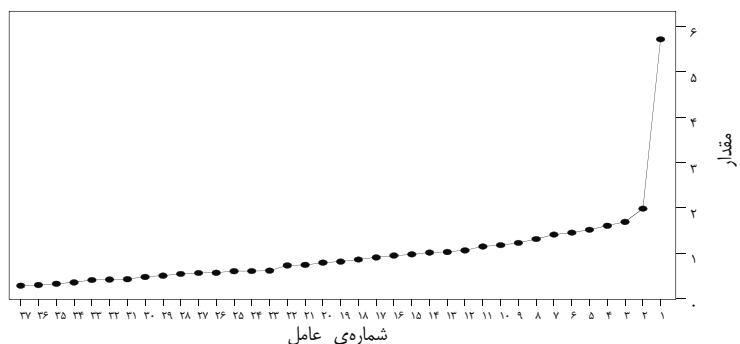
ماده‌های ۶، ۸، ۱۶، ۲۰، ۳۷ و ۳۶ عاملی کم‌تر از ۰٫۳۰ داشتند؛ بنا بر این از تحلیل کنار گذاشته‌شدند.

<sup>۱</sup> Kaiser-Meyer-Olkin (KMO) Test<sup>۲</sup> Bartlett's Test of Sphericity



جدول ۲ داده‌های تحلیل عاملی شخصیت اسکیزوتایپی در نوجوانان پسر

عامل	ارزش ویژه	درصد واریانس تیین شده	ماده	وزن عاملی	آلفا
تجارب ادراکی غیرعادی	۵/۵۹	۱۵/۴۵	۱۱	۰/۶۳	۰/۷۲
			۱۳	۰/۶۰	
			۲۶	۰/۶۰	
			۲۸	۰/۵۹	
			۲۱	۰/۴۷	
			۱۵	۰/۴۶	
			۴	۰/۴۲	
			۱۹	۰/۳۸	
			۱۷	۰/۳۸	
			۳	۰/۳۸	
			۳۶	۰/۳۷	
			۲۴	۰/۳۷	
			اندیشه‌پردازی پارانویید/اضطراب اجتماعی	۱/۸۰	
۳۵	۰/۵۵				
۷	۰/۵۴				
۲۹	۰/۵۱				
۱۴	۰/۴۵				
۲۳	۰/۴۵				
۳۲	۰/۴۲				
۲۷	۰/۳۷				
۵	۰/۳۱				
۱۲	۰/۳۰				
۲۲	۰/۳۰				
تفکر سحرآمیز	۱/۵۷	۴/۵۶	۱	۰/۶۶	۰/۶۳
			۱۸	۰/۶۶	
			۱۰	۰/۶۴	
			۱۴	۰/۳۵	
			۳۰	۰/۴۸	
			۹	۰/۳۴	
۳۱	۰/۳۴				



نمودار ۱ نمودار اسکری<sup>۱</sup> برای شناسایی شمار عامل‌ها در نوجوانان پسر

<sup>۱</sup> Scree Plot

به منظور تعیین ساختار عاملی اسکیزوتاییی در نوجوانان دختر، از شیوه‌ی اکتشافی و روش تحلیل سازه‌های اصلی با چرخش پروماکس استفاده شد. ماده‌هایی در عامل گنجانده شدند که وزن عاملی  $0/30$  یا بالاتر را داشتند. جدول ۲ وزن‌های عاملی هر یک از ماده‌ها را پس از چرخش پروماکس نشان می‌دهد. در کل، ۱۳ عامل ارزش ویژه‌ی بالاتر از یک داشتند و  $62/43$  درصد واریانس‌های دیده‌شده را تبیین می‌کردند.

رسم نمودار ارزش‌های ویژه (نمودار ۲) و الگوی وزن‌های عاملی سه عامل را پیش‌نهاد کرد. این عامل‌ها نگاه داشته‌شدند و در معرض چرخش متعامد پروماکس قرار گرفتند؛ بدین ترتیب، سه عامل اصلی  $25/59$  درصد واریانس کل را تبیین می‌کنند.

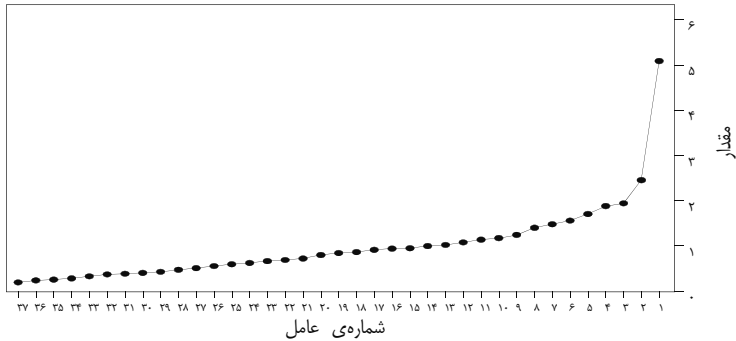
جدول ۳ داده‌های تحلیل عاملی شخصیت اسکیزوتاییی در نوجوانان دختر

عامل	ارزش ویژه	درصد واریانس تبیین شده	ماده	وزن عاملی	آلفا
تجارب ادراکی غیرعادی	5/08	13/73	۲۱	0/62	0/72
			۷	0/58	
			۲۳	0/55	
			۱۱	0/48	
			۱۳	0/40	
			۵	0/38	
			۳۲	0/37	
			۲۶	0/37	
			۱۰	0/36	
			۳۵	0/34	
تفکر سحرآمیز	2/44	6/61	۳۴	0/67	0/70
			۱	0/59	
			۲۰	0/53	
			۸	0/49	
			۲۸	0/43	
			۲۴	0/43	
			۲۲	0/43	
			۳۰	0/41	
			۶	0/36	
			۱۷	0/34	
۱۸	0/31				
سوءظن پارانویید و اضطراب اجتماعی	1/93	5/23	۳۶	0/67	0/60
			۱۵	0/61	
			۱۴	0/54	
			۲۷	0/52	
			۱۲	0/52	
			۳۷	0/33	
			۲۹	0/33	
			۳۱	0/31	
			۲۵	0/31	
			۲	0/31	





ماده‌های ۳، ۴، ۹، ۱۶، ۱۹، و ۳۳ وزن عاملی کم‌تر از ۰/۳۰ داشتند؛ بنا بر این، از تحلیل کنار گذاشته شدند.



نمودار ۲ نمودار اسکری برای شناسایی شمار عامل‌ها در نوجوانان دختر

ماده‌های ۲۵، ۲۹، ۲۲، ۳۰، ۳۲، ۳۵، و ۳۱ در بیش از یک عامل تکرار شده بودند، که با توجه به ارتباط هر ماده با یک عامل، در عامل به‌دست‌آمده‌ی مربوط قرار داده شدند. به منظور مقایسه‌ی جنسیتی در نمره‌های به‌دست‌آمده، از آزمون  $t$  برای گروه‌های مستقل استفاده شد، که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴ مقایسه‌ی گروه‌های دختر و پسر در «پرسش‌نامه‌ی صفات اسکیزوتایپی» و عامل‌های مربوط

عامل	جنس	شمار	میانگین	انحراف استاندارد	$t$	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری
پرسش‌نامه‌ی صفات اسکیزوتایپی	پسر	۱۹۴	۱۳/۱۲	۶/۴۴	۵/۷۸	۳۲۲	۰/۰۰۰
	دختر	۱۳۰	۱۷/۴۴	۶/۳۸			
تجارب ادراکی غیرعادی	پسر	۲۱۸	۶/۵۴	۲/۶۸	۳/۲۴	۳۶۳	۰/۰۰۱
	دختر	۱۴۷	۷/۴۷	۲/۶۲			
اندیشه‌پردازی پارانوید / اضطراب اجتماعی	پسر	۲۱۸	۳/۰۸	۲/۲۳	۲/۴۳	۳۶۳	۰/۰۱
	دختر	۱۴۸	۳/۶۶	۲/۱۷			
تفکر سحرآمیز	پسر	۲۱۹	۳/۰۵	۲/۲۰	۷/۱۱	۳۶۵	۰/۰۰۰
	دختر	۱۴۸	۴/۹۵	۲/۹۰			

جدول بالا نشان می‌دهد که تفاوت نمره‌های دو گروه دختر و پسر در کل «پرسش‌نامه‌ی صفات اسکیزوتایپی» و عامل‌های آن معنادار است و میانگین گروه دختران نیز بیش‌تر از گروه پسران است.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی نقش جنسیت در تحلیل عاملی اسکیزوتایپی در نوجوانان، برای اندازه‌گیری ویژگی‌های شبه‌روان‌پریشی اسکیزوتایپی بود. بررسی تحلیل عاملی روی نوجوانان نشان داد اسکیزوتایپی یک ویژگی تک بعدی نیست و این یافته با پژوهش‌های پیشین روی نوجوانان (ولفرات و استرابوب ۱۹۹۸؛ سیلاروف و کلاریج ۲۰۰۵؛ فونسکا-پدررو و هم‌کاران<sup>۱</sup> ۲۰۰۹) و نیز پژوهش‌های انجام‌شده بر روی بزرگسالان (هویت و کلاریج ۱۹۸۹؛ جوزف و پیترز ۱۹۹۵؛ راولینگز، کلاریج، و فری من ۲۰۰۱؛ محمدزاده ۱۳۸۴) هم‌سو است؛ پس ساختار چندبعدی اسکیزوتایپی در نمونه‌های غیربالینی و در راستای الگوی ابعادی ویژگی‌های روان‌پریشی پذیرفته‌می‌شود. این پژوهش نشان می‌دهد ویژگی‌های روان‌پریشی تنها بسته به طبقه‌ی ویژه از بیماران نیست و الگوهای آن، به عنوان بخشی از آرایش روان‌شناختی، در میان واریانس‌های فردی انسان‌ها وجود دارد. این نتیجه، هم‌راه با یافته‌های پیشین، مانند یافته‌های روزا و هم‌کاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۰)، پائینو-پنی‌یرو و هم‌کاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۸)، و فونسکا-پدررو و هم‌کاران (۲۰۰۹) این فرض را که آمادگی برای اسکیزوفرنیا در جمعیت دارای توزیعی پیوستاری است مورد پذیرش قرار می‌دهد. یک‌سانی عوامل این پژوهش با تحلیل‌های عاملی پیشین در نمونه‌ی بزرگسال (هویت و کلاریج ۱۹۸۹؛ جوزف و پیترز ۱۹۹۵؛ راولینگز، کلاریج، و فری من ۲۰۰۱؛ محمدزاده ۱۳۸۴) نشان می‌دهد که ویژگی‌های روان‌سنجی «پرسش‌نامه‌ی صفات اسکیزوتایپی» دارای ثبات و پذیرفتنی است. بر پایه‌ی این پژوهش و بدون در نظر گرفتن ترتیب عوامل به‌دست‌آمده، الگوی عاملی پیش‌نهادی برای نوجوانان دختر و پسر ایرانی الگوی سه‌عاملی تجارب ادراکی غیرعادی، تفکر سحرآمیز، و اندیشه‌پردازی پارانویید/اضطراب اجتماعی است؛ بنا بر این، تفاوت‌های ساختاری میان دو جنس در نشانه‌شناسی اسکیزوتایپی وجود ندارد. در این بخش، که با پژوهش ولفرات و استرابوب (۱۹۹۸) و سیلاروف و کلاریج (۲۰۰۵) هم‌سو است، نمودار اسکری در گروه پسران، در مقایسه با گروه دختران، توانایی بیش‌تری برای دستیابی به این سه عامل نشان می‌دهد (بدون ماده‌های دارای بار مشترک)؛ هم‌چون این، مقایسه‌ی ماده‌های قرارگرفته در درون هر یک از عامل‌های به‌دست‌آمده بر پایه‌ی آلفای کرون‌باخ نشان می‌دهد که ماده‌های عوامل سه‌گانه‌ی هر دو گروه از هم‌آهنگی درونی تقریباً برابری برخوردار اند. در تحلیل روی نوجوانان پسر، ۱۴ عامل اولیه ۶۳ درصد واریانس‌های دیده‌شده را تبیین می‌کرد، که پس از رسم نمودار ارزش‌های ویژه، به سه عامل کاهش یافت و در نوجوانان دختر، ۱۳ عامل اولیه، ۴۳/۶۲ درصد واریانس‌های دیده‌شده را تبیین می‌کرد.

<sup>1</sup> Fonseca-Pedrero, Eduardo, Mercedes Paino-Piñero, Serafin Lemos-Giráldez, Úrsula Villazón-García, and José Muñiz

<sup>2</sup> Rosa, Araceli, Jim van Os, Lourdes Faiñán, Neus Barrantes, Beatriz Caparrós, Blanca Gutiérrez, and Jordi Obiols

<sup>3</sup> Paino-Piñero, Mercedes, Eduardo Fonseca-Pedrero, Serafin Lemos-Giráldez, and José Muñiz



مهم‌ترین یافته‌ی متفاوت در تحلیل عاملی بر پایه‌ی جنسیت ترتیب عوامل به‌دست‌آمده است، که در گروه پسران، عوامل تجارب ادراکی غیرعادی، اندیشه‌پردازی پارانوئید/اضطراب اجتماعی، و تفکر سحرآمیز، به‌ترتیب، بیش‌ترین سهم را در تبیین واریانس‌های دیده‌شده‌ی اسکیزوتایپی داشتند و در گروه دختران، عوامل تجارب ادراکی غیرعادی، تفکر سحرآمیز، و اندیشه‌پردازی پارانوئید/اضطراب اجتماعی، به‌ترتیب، بیش‌ترین سهم را نشان دادند؛ پس در گروه دختران، در مقایسه با پسران، سهم عامل تفکر سحرآمیز در تبیین صفات اسکیزوتایپی بیش‌تر از عامل اندیشه‌پردازی پارانوئید/اضطراب اجتماعی بود. این یافته نشان‌گر آن است که دو گروه در نشانه‌شناسی مربوط به تجارب ادراکی غیرمعمول با هم تفاوت ندارند، ولی به لحاظ الگوهای بالینی و نشانه‌شناسی مربوط به عوامل سوءظن پارانوئید/اضطراب اجتماعی و تفکر سحرآمیز تفاوت‌های جنسی وجود دارد؛ بدین ترتیب، در گروه دختران، پس از تجارب ادراکی غیرعادی، مانند مسخ واقعیت، مسخ شخصیت، و انواع تجارب شبه‌توهمی، تفکر سحرآمیز، مانند باور به خرافات، بیش‌تر از سوءظن پارانوئید/اضطراب اجتماعی می‌تواند در نوجوانان فراگیر باشد.

به دلیل آن که گزارش شده تفاوت‌های جنسیتی در اسکیزوتایپی با تفاوت‌های جنسیتی در اسکیزوفرنیا هم‌سو است، یافته‌های پژوهش با پژوهش‌هایی که نشان داده‌اند زنان دچار اسکیزوفرنیا نشانه‌شناسی مثبت اسکیزوفرنیا، مانند توهم و هذیان را بیش‌تر از مردان، و مردان هم نشانه‌شناسی منفی اسکیزوفرنیا، مانند کناره‌گیری و انزوای اجتماعی را بیش‌تر از زنان نشان می‌دهند هم‌آهنگ است (گروس‌من و هم‌کاران ۲۰۰۸؛ ویلهیت و هم‌کاران ۲۰۰۸؛ لوین و روبینوویتز ۲۰۰۹).

تفاوت میان نمره‌های گروه دختران و پسران نشان داد که میانگین نمره‌های گروه دختران در کل «پرسش‌نامه‌ی صفات اسکیزوتایپی» و عامل‌های مربوط، به گونه‌ی معنادار، بیش‌تر از گروه پسران است. این مسئله آسیب‌پذیری بیش‌تر زنان را نسبت به اسکیزوتایپی، و به دنبال آن اسکیزوفرنیا، نشان می‌دهد؛ پس فرضیه‌ی پژوهش پذیرفته می‌شود.

گزارش‌ها نشان می‌دهد زنان، نسبت به مردان، در سنجه‌هایی مانند «پرسش‌نامه‌ی صفات اسکیزوتایپی»، اندیشه‌پردازی سحرآمیز، و آمادگی برای توهم، که صفات مثبت اسکیزوتایپی را اندازه می‌گیرند، نمره‌هایی بالاتر را به دست آورده‌اند (راین ۱۹۹۲؛ کلاریج و هم‌کاران ۱۹۹۶؛ ولفرات و استراب ۱۹۹۸؛ راولینگز، کلاریج، و فری‌من ۲۰۰۱)؛ پس نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های پیشین روی بزرگ‌سالان هم‌آهنگ است و تفاوت‌های جنسیتی دیده‌شده در صفات اسکیزوتایپی متأثر از سن نیست.

در این پژوهش دسترسی به بیماران دچار اختلال شخصیت اسکیزوتایپی امکان‌پذیر نشد، پس پیشنهاد می‌شود این یافته‌ها روی نمونه‌های نوجوان دچار اختلال شخصیت اسکیزوتایپی تکرار شود؛ هم‌چون این، با این که «پرسش‌نامه‌ی صفات اسکیزوتایپی»، با ۳۷ سؤال، از معتبرترین و پرکاربردترین ابزارها در سنجش صفات اسکیزوتایپی است (راولینگز، کلاریج، و فری من ۲۰۰۱)، استفاده از پرسش‌نامه‌های فراگیرتر یافته‌هایی قابل‌اعتمادتر را فراهم خواهد کرد. بهترین ابزار در این زمینه، «پرسش‌نامه‌ی عواطف و احساسات آکس‌فورد-لیورپول» (۱۰۴سوالی) (ماسون، کلاریج، و جکسون<sup>۱</sup> ۱۹۹۵) است، اما با توجه به اعتباریابی نشدن این پرسش‌نامه در ایران، این پژوهش امکان استفاده از آن را نداشت؛ بنا بر این، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بعدی با اعتباریابی و استفاده از ابزار گفته‌شده یافته‌های این پژوهش را با توجه بیشتر به نقش جنسیت در نشانه‌شناسی مثبت و منفی اسکیزوتایپی بررسی کنند.

## منابع

- محمدزاده، علی. ۱۳۸۴. «بررسی خصوصیات روان‌سنجی و هنجاریابی مقیاس شخصیتی اسکیزوتیپی (STA) و مرزی (STB)» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شیراز، شیراز.
- محمدزاده، علی. ۱۳۸۸. «اعتباریابی مقیاس صفات اسکیزوتایپی (STA) در نوجوانان» منتشر نشده.
- American Psychiatric Association (APA). 2000. *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, Fourth Edition, Text Revision (DSM-IV-TR)*. Washington, DC, USA: APA.
- Claridge, Gordon, and Paul Broks. 1984. "Schizotypy and Hemisphere Function—I: Theoretical Considerations and the Measurement of Schizotypy." *Personality and Individual Differences* 5(6):633–648.
- Claridge, G., C. McCreery, O. Mason, R. Bentall, G. Boyle, P. Slade, and D. Popplewell. 1996. "The Factor Structure of 'Schizotypal' Traits: A Large Replication Study." *British Journal of Clinical Psychology* 35(1):103–115.
- Compton, Michael T., Sandra M. Goulding, Roger Bakeman, and Erin B. McClure-Tone. 2009. "Confirmation of a Four-Factor Structure of the Schizotypal Personality Questionnaire among Undergraduate Students." *Schizophrenia Research* 111(1–3):46–52.
- Cyharov, Eva, and Gordon Claridge. 2005. "Development of a Version of the Schizotypy Traits Questionnaire (STA) for Screening Children." *Schizophrenia Research* 80(2–3):253–261.

<sup>1</sup> Mason, Oliver, Gordon Claridge, and Mike Jackson



- Fonseca-Pedrero, Eduardo, Mercedes Paino-Piñero, Serafin Lemos-Giráldez, Úrsula Villazón-García, and José Muñiz. 2009. "Validation of the Schizotypal Personality Questionnaire—Brief Form in Adolescents." *Schizophrenia Research* 111(1-3):53-60.
- Fossati, Andrea, Adrian Raine, Ilaria Carretta, Barbara Leonardi, and Cesare Maffei. 2003. "The Three-Factor Model of Schizotypal Personality: Invariance across Age and Gender." *Personality and Individual Differences* 35(5):1007-1019.
- Goulding, Anneli. 2004. "Schizotypy Models in Relation to Subjective Health and Paranormal Beliefs and Experiences." *Personality and Individual Differences* 37(1):157-167.
- Grossman, Linda S., Martin Harrow, Cherise Rosen, Robert Faull, and Gregory P. Strauss. 2008. "Sex Differences in Schizophrenia and Other Psychotic Disorders: A 20-Year Longitudinal Study of Psychosis and Recovery." *Comprehensive Psychiatry* 49(6):523-529.
- Gruzelier, J. H. 1994. "Syndromes of Schizophrenia and Schizotypy, Hemispheric Imbalance, and Sex Differences: Implications for Developmental Psychopathology." *International Journal of Psychophysiology* 18(3):167-178.
- Hewitt, J. K., and G. Claridge. 1989. "The Factor Structure of Schizotypy in a Normal Population." *Personality and Individual Differences* 10(3):323-329.
- Ito, Shinya, Yasuyuki Okumura, and Shinji Sakamoto. 2010. "Sex Differences in the Schizotypal Personality Questionnaire Brief among Japanese Employees and Undergraduates: A Cross-Sectional Study." *Personality and Individual Differences* 48(1):40-43.
- Joseph, Stephen, and Emmanuelle R. Peters. 1995. "Factor Structure of Schizotypy with Normal Subjects: A Replication of Hewitt and Claridge 1989." *Personality and Individual Differences* 18(3):437-440.
- Levine, Stephen Z., and Jonathan Rabinowitz. 2009. "Population-Based Examination of the Role of Years of Education, Age of Onset, and Sex on the Course of Schizophrenia." *Psychiatry Research* 168(1):11-17.
- Mason, Oliver, Gordon Claridge, and Mike Jackson. 1995. "New Scales for the Assessment of Schizotypy." *Personality and Individual Differences* 18(1):7-13.
- Mata, Ignacio, David Mataix-Cols, and Victor Peralta. 2005. "Schizotypal Personality Questionnaire-Brief: Factor Structure and Influence of Sex and Age in a Nonclinical Population." *Personality and Individual Differences* 38(5):1183-1192.
- Miller, L. Stephen, and Sherry A. Burns. 1995. "Gender Differences in Schizotypic Features in a Large Sample of Young Adults." *Journal of Nervous and Mental Disorders* 183(10):657-661.
- Paino-Piñero, Mercedes, Eduardo Fonseca-Pedrero, Serafin Lemos-Giráldez, and José Muñiz. 2008. "Dimensionality of Schizotypy in Young People According to Sex and Age." *Personality and Individual Differences* 45(2):132-138.
- Raine, Adrian. 1992. "Sex Differences in Schizotypal Personality in a Nonclinical Population." *Journal of Abnormal Psychology* 101(2):361-364.
- Rawlings, David, Gordon Claridge, and Justin L. Freeman. 2001. "Principal Components Analysis of the Schizotypal Personality Scale (STA) and the Borderline Personality Scale (STB)." *Personality and Individual Differences* 31(3):409-419.

- Rosa, Araceli, Jim van Os, Lourdes Fañanás, Neus Barrantes, Beatriz Caparrós, Blanca Gutiérrez, and Jordi Obiols. 2000. "Developmental Instability and Schizotypy." *Schizophrenia Research* 43(2-3):125-134.
- Wolfradt, Uwe, and Eckart R. Straube. 1998. "Factor Structure of Schizotypal Traits among Adolescents." *Personality and Individual Differences* 24(2):201-206.
- Willhite, Rachael K., Tara A. Niendam, Carrie E. Bearden, Jamie Zinberg, Mary P. O'Brien, and Tyrone D. Cannon. 2008. "Gender Differences in Symptoms, Functioning, and Social Support in Patients at Ultra-High Risk for Developing a Psychotic Disorder." *Schizophrenia Research* 104(1-3):237-245.
- Van Kampen, Dirk. 2006. "The Schizotypic Syndrome Questionnaire (SSQ): Psychometrics, Validation, and Norms." *Schizophrenia Research* 84(2-3):305-322.

## نویسنده

## دکتر علی محمدزاده

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور استان آذربایجان شرقی  
a\_mohammadzadeh@pnu.ac.ir

دانش‌آموخته‌ی ممتاز دکترای تخصصی روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۷.  
زمینه‌ی اصلی پژوهش‌های وی اسکیزوتایپی، شخصیت، و وسواس است که در این زمینه از وی ۳۵ مقاله در مجلات ISC و علمی-پژوهشی چاپ و نزدیک به ۲۰ مقاله در هم‌آیش‌های کشوری ارائه شده‌است. وی مجری هشت طرح دانشگاهی است و دو سال پیاپی پژوهش‌گر برتر دانشگاه پیام نور شناخته‌شده‌است.